

فرسان شمالی	روزنامه خراسان شمالی - گروه سوم نشریات روزنامه‌های سیاسی-ادبیاتی-فرهنگی-اجتماعی خراسان شمالی -دوشنبه ۱۴۰۲ - آذر ۱۴ - ۲۷ جمادی الاول ۱۴۴۵ - شماره ۴۰۲۸	<div> <div><div> </div><div></div></div> <div>صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان</div> <div>مدیرعامل و مدیرمسئول: رضا خوراکیان</div> <div>دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید ساداتی (سازمان آب)</div> <div>پست: ۹۹۹۰۰۰۰۰ - چاپ: شهرپاپ خراسان</div> <div>تلفن: ۰۵۱-۳۷۶۳۰۰۰۰</div> <div>تلفن فکس: ۰۵۱-۳۷۶۲۱۲۹۵</div> <div>دفتر مرکزی پخش: ۰۵۱-۳۲۳۲۹۷۶۲</div> </div>
سینما و تلویزیون		

نگاهی به ۷ فیلم که بر اساس وقایع مهم و واقعی ساخته شده است

سکانس‌هایی بر اساس واقعیت

گروه سینما و تلویزیون

فیلم‌های مختلفی بر اساس اتفاق ها و ماجراهای واقعی در سینمای جهان و ایران ساخته شده است که تماشای آن ها جذابیت های خاص خود را دارد. این حوادث گاهی اوقات به قدری فراگیر و گسترده بوده‌اند که در حافظه جمعی می‌مانند و بخشی از تاریخ را رقم می‌زنند و ساخت فیلم و سریال بر اساس آن ها به نوعی سکانس‌هایی بر اساس از واقعیت را جلوی چشمان مخاطبان قرار می‌دهد. در این مطلب به سراغ ۷ فیلم مهم ایرانی رقتیم که درباره حوادث مهم و واقعی ساخته شده است، از پرداختن به موضوع زلزله در فیلم «زندگی و دیگر هیچ» به کارگردانی زنده یاد عباس کیارستمی» تا موضوع «آتش سوزی» در فیلم «جنایت بی دقت» به کارگردانی شهرام مکرری.»



زندگی و دیگر هیچ

کارگردان: عباس کیارستمی

فیلم درباره زلزله وحشتناک مرگیار و ویرانگار سال ۱۳۶۹ رودبار و منجیل ساخته شده است زلزله‌ای به بزرگی ۷/۴ ریشتر که شهرهای رودبار، منجیل، لوشان و ۷۰۰ روستای اطراف را به نابودی کشاند و به ۳۰۰ روستای دیگر خسارت عمده وارد کرد. در این زلزله ۱۰۰ هزار خانه خشتی و گلی با خاک یکسان شدند یا یا خسارت‌های زیادی دیدند و بیش از ۳۵ هزار کشته، ۶۰ هزار زخمی و ۵۰۰ هزار بی‌خانمان شدند. «عباس کیارستمی» فیلم «زندگی و دیگر هیچ» را یک سال بعد از وقوع این زمین لرزه ساخت. داستان فیلم سه روز پس از زلزله خرداد ۱۳۶۹ در استان گیلان اتفاق می‌افتد. پدر و پسر ی از تهران به منطقه زلزله‌زده ریزش به‌جستجوی «بابک» و «احمد احمدپور»، بازیگران فیلم «خانه دوست کجاست؟» می‌روند. به دلیل راه‌انداز، آن‌ها مجبور می‌شوند راه‌های فرعی مختلفی را برای رسیدن به روستای کوکر، محل زندگی پسرپچه‌ها، طی کنند. پدر و پسر، «احمدپور» ها را تا پایان فیلم نمی‌بینند اما خبرهایی از آن‌ها به‌دست می‌آورد. واکنش سریع «کیارستمی» به زلزله و اقدام سریعش برای ساخت فیلم در این باره با تحسین زیادی روبه‌رو شد. فیلم «زندگی و دیگر هیچ» هم در چهل‌وپنجمین جشنواره فیلم کن فرانسه، برنده جایزه بخش «نوعی نگاه» شد و همچنین در هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم سائوپولوی برزیل، جایزه ویژه انجمن منتقدان را به دست آورد.

نگاهی به عوامل در گذشته فیلم خاطره انگیز «هامون»

هامونی‌هایی که دیگر نیستند

گروه سینما و تلویزیون

۱۷ آذر، سالروز تولد زنده یاد «داریوش مهرجویی» کارگردان مشهور سینمای ایران بود که ۲۲ مهر امسال در یک جنایت جانفش از دست داد؛ کارگردانی که فیلم‌های بسیار معروف و خاطره انگیزی از جمله «هامون» از او به یادگار مانده است. ۴ آذر امسال «بیتا فرهی»، بازیگر نام آشنای این فیلم هم، دار فانی را وداع گفت. «امرا... صابری»، از دیگر بازیگران این فیلم هم مهر ماه امسال فوت کرده بود. تیر ماه سال ۱۳۸۷ هم «خسرو شکیبایی»، بازیگر توانمند و مشهور سینما، تلویزیون و تئاتر ایران و یکی دیگر از بازیگران «هامون»، به دیار باقی شتافته بود. «حسین سرشار» اولین بازیگری بود که جمع هامونی‌ها را ترک کرد و درگذشت. سال ۱۳۶۸ فیلم «هامون» ساخته شد و تا حالا ۳۴ سال از تولید آن می‌گذرد و اکنون «هامون» به فیلمی پر از خاطرات در گذشتگان تبدیل شده است. در این مطلب به عوامل در گذشته فیلم خاطره انگیز «هامون» و هامونی هایی که دیگر نیستند نگاهی کرده ایم.

حسین سرشار

نقش: سلیمی

فوت: ۶ سال بعد از اکران

«حسین سرشار» ۶ سال پس از بازی در فیلم «هامون» به عنوان اولین نفر جمع هامونی‌ها را ترک کرد. «سرشار» برای اولین بار در فیلم «اجاره‌نشین‌ها» بازی کرد. «هامون» دومین همکاری این بازیگر با «مهرجویی» بود. سرشار نقش «سلیمی»، مدیر نمایندگی فروش محصولات پزشکی را بازی می‌کرد؛ فردی که «هامون» بعدازظهرهایش او بازارپایی می‌کرد. «سلیمی» تلاش می‌کرد «هامون» را متقاعد کند طبق اصول پنج گانه فروش، «دستگاه‌ها را بفروشد و به هیچ‌عنوان اجازه ندهد مشتری از دستش دربرود. چالش‌های میان «هامون» و «سلیمی»، دیالوگ‌های مهمی را در فیلم رقم زدند.

جلال مقدم

نقش: دکتر سماواتی

فوت: ۷ سال بعد از اکران

«جلال مقدم» در فیلم «هامون» حضوری کوتاه داشت و ۷ سال پس از بازی در این فیلم درگذشت. او در این فیلم نقش دکتر «سماواتی»، روان پزشک «مهشید» را بازی می‌کرد؛ روان پزشکی که از «مهشید» می‌خواست احساساتش را درباره «هامون» بگوید و در همین سکانس است که خاطرات جوانی آن‌ها مرور می‌شود. یکی از دیالوگ‌های مطرح فیلم، زمانی است که «هامون» به «سماواتی» می‌گوید: «من مرتب شیلنگ تخته می‌نذارم ولی به هیچ جایی نمی‌رسم دکتر، دارم فرو میرم. به هیچی اعتماد ندارم به هیچی اعتقاد ندارم!» و حتی «سماواتی» هم نمی‌تواند حال او را بهتر کند.

مزار شریف

کارگردان: عبدالحسن برزیده

فیلم «مزار شریف» درباره حمله نیروهای طالبان به کنسولگری ایران در شهر مزار شریف افغانستان در سال ۱۳۷۷ است که منجر به شهادت ۱۰ نفر از کارکنان شد. نیروهای طالبان در هفدهم مرداد سال ۱۳۷۷ شهر مزار شریف را اشغال کردند و گروهی از آن‌ها وارد کنسولگری ایران شدند و دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی حاضر در آن‌جا را به شهادت رساندند. «عبدالحسن برزیده» سال ۱۳۹۳ یعنی ۱۶ سال بعد، فیلم «مزار شریف» را ساخت و به طور که برخی کارشناسان معتقد بودند «مزارشریف» فیلم درخور و مناسبی برای روایت این واقعه نیست و این اتفاق مهم را به صورت ساده و بدون التهاب پیش روی مخاطبان گذاشته است اما موافق‌های زیادی هم داشت و در جشنواره‌های

چهارراه استانبول

کارگردان: مصطفی کیایی

مصطفی کیایی در «چهارراه استانبول» سعی کرد واقعه آتش‌سوزی و فرو ریختن ساختمان «پلاسکوی» تهران را بازسازی کند. ساختمان پلاسکوپس از ات‌سوزی، فروریخت و تعدادی از مأموران آتش‌نشانی که در حال مهار آتش‌سوزی، و بیرون و داخل ساختمان بودند زیر آوار ناشی از فرو ریختن ساختمان ماندند و جان خود را از دست دادند. این حادثه صبح روز ۲۰دی سال ۱۳۹۵ اتفاق افتادو «مصطفی کیایی» مدتی بعد اعلام کرد که قصد دارد فیلمی درباره این حادثه بسازد. او یک سال بعد، فیلم «چهارراه استانبول» را در سال ۱۳۹۶ به جشنواره فجر سی‌وششم برد. «کیایی» ابتدای فیلمش چند شخصیت معرفی می‌کند که هر کدامشان به نحوی با ماجرای ریزش ساختمان پلاسکو ارتباط پیدا می‌کنند. ماجرای اصلی اما این است که پسر ی در شب قبل از حادثه، دختری را که از دست پدرش فرار کرده، در یکی

درخت گردو

کارگردان: محمدحسین مهدویان

«محمدحسین مهدویان» در فیلم «درخت گردو» به فاجعه بمباران شیمیایی سردشت و تأثیری که روی زندگی مردم گذاشته بود پرداخت. فیلم بر اساس زندگی «قادر مولانپور» یکی از آسیب‌دیدگان این فاجعه ساخته شده بود. او برای محاکمه یکی از دلا‌های سلاح‌های شیمیایی عراق در دادگاه لاهه شرکت کرد و سرگذشت خودش را تعریف کرد. بمباران شیمیایی سردشت هفتم تیر سال ۱۳۶۶ در چهار نقطه پر از دحام شهر سردشت انجام شد. در این حمله ۱۱۰ نفر از ساکنان غیرنظامی جان خود را از دست دادند. «درخت گردو» اولین فیلمی بود که آن قدر دقیق به فاجعه بمباران شیمیای سردشت می‌پرداخت و درد و رنج اهالی سردشت را با جزئیات در تصویر می‌کشید و از این رو اهمیت بسیار زیادی داشت. «مهدویان» داستان



مختلف با استقبال زیادی روبه‌رو شد. این فیلم توانست در سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر، سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن و دیپلم افتخار بهترین جلوه‌های ویژه میدانی و بصری را دریافت کند، ضمن این که در بخش‌های بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین نقش اول مرد، بهترین صداربداری، بهترین صداگذاری و بهترین چهره‌پردازی نامزد دریافت سیمرغ بلورین شده بود. این فیلم در جشنواره‌های فیلم کانادا، استرالیا و هند هم موفقیت‌هایی به دست آورد.



از واحدهای پلاسکو جا می‌دهد و در رویش قفل می‌کند و خودش به همراه دوستش به محل دیگری می‌روند و تا صبح همان‌جا می‌مانند. او صبح وقتی سراغ پلاسکو می‌رود متوجه می‌شود آتش گرفته است. با این ماجرا وارد آتش‌سوزی پلاسکو می‌شویم و مرحله به مرحله با وقایع این روز، تلاش آتش‌نشان‌ها و نگرانی خانواده‌ها روبه‌رو می‌شویم. فیلم، اثر چندان موفقی نبود و بعضی از کارشناسان معتقد بودند «مصطفی کیایی» به خاطر عجله‌ای که برای ساخت اولین فیلم درباره این حادثه داشته، از حساسیت‌های همیشگی‌اش فاصله گرفته و به گونه‌ای سوژه‌سوزی کرده است. با این حال «چهارراه استانبول» در دو بخش بهترین بازیگر نقش مکمل زن و بهترین جلوه‌های ویژه بصری سیمرغ دریافت کرد.



این فیلم را در سه بازه زمانی سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۵ با تمرکز روی زندگی مردی رنج کشیده که در یکی از روستاهای نزدیک سردشت خانواده‌اش را در این بمباران از دست داده روایت کرده است. «مهدویان» برای «درخت گردو» سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی را از جشنواره سی‌وهشتم فیلم فجر گرفت و «پیمان معادی» هم برنده سیمرغ بهترین بازیگر مرد شد. «درخت گردو» در ۱۱ رشته دیگر هم نامزد دریافت سیمرغ بود.

ماجرای نیمروز

کارگردان: محمدحسین مهدویان

فیلم «ماجرای نیمروز» به‌تورر مقامات ارشد کشور در سال های اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد. تمرکز اصلی فیلم‌روی ماجرای شناسایی خانه‌های تیمی سازمان مجاهدین و در نهایت شناسایی خانه «موسی خیابانی» است. این ترور‌ها و ماجرای شناسایی خانه‌های تیمی در سال ۱۳۶۰ و به دنبال برکناری بنی‌صدر اتفاق افتاد. «محمدحسین مهدویان» فیلم «ماجرای نیمروز» را ۲۵سال بعد یعنی در سال۱۳۹۵ ساخت. او پیش از آن در «آخرین روزهای زمستان» و «ایستاده در غبار» از تکنیک جدیدی استفاده و با استفاده از صداهای باقی مانده در آرشو، اثرش را بازسازی کرده بود. این دو اثر در مرز میان داستانی و مستند ساخته شده بودند. «مهدویان» در «ماجرای نیمروز» هم سعی کرد تا حد امکان به این شیوه وفادار بماند. «ماجرای نیمروز» تا حدودی مشابه آثار مستند ساخته شده و

بیدار شو آرزو

کارگردان: کیانوش عیاری

«کیانوش عیاری» فیلم «بیدار شو آرزو» را براساس حادثه تلخ زلزله بم ساخت؛ زلزله‌ای به بزرگی ۶/۶ریشتر که شهر بم و مناطق اطراف آن در شرق استان کرمان را لرزاند و تخریب کرد. زمین لرزه بم با حدود ۵۰ هزار کشته سومین زمین لرزه پرتلفات تاریخ ایران بعد از زمین لرزه های اردبیل و دامغان بود. زمان وقوع زلزله بم، بامداد جمعه ۵ دی ۱۳۸۲ بود و ۱۲ ثانیه هم طول کشید. «کیانوش عیاری» فیلم «بیدار شو آرزو» را یک سال بعد یعنی سال ۱۳۸۳ ساخت اما ۱۳ سال بعد از تولید، فرصت اکران عمومی پیدا نکرد تا این که در آذر سال ۱۳۹۶ در گروه «هنر و تجربه» اکران شد. «عیاری» محور اصلی فیلمش را یک آموزگار جوان روستایی در نظر می‌گیرد که در حاشیه شهر بم، بعد از بیرون آمدن از زیر آوار متوجه می‌شود همکارش جان سپرده است و به سوی شهر راه می‌افتد تا برای اهالی

جنایت بی‌دقت

کارگردان: شهرام مکرری

«جنایت بی‌دقت» یادآور واقعه آتش‌سوزی سینما رکس آبادان در سال ۱۳۵۷ است. این سینما در حین نمایش فیلمی به کارگردانی «مسعود کیمیایی» به آتش کشیده شد و دست کم ۴۰ نفر کشته شدند. این رویداد زمانی آغاز شد که افرادی، قبل از آتش زدن، ساختمان سینما را به سوخت هوایپما آغشته کرده بودند. این آتش‌سوزی بزرگ‌ترین حمله تروریستی در تاریخ تا قبل از کشتار سال ۱۹۹۰ افسران پلیس سری‌لانکا و حملات ۱۱ سپتامبر معرفی شد. سینما رکس آبادان ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۷ به آتش کشیده شد و «شهرام مکرری» فیلمش را سال ۱۳۹۸ ساخت. «مکرری» مستقیم دست روی این واقعه نگذاشته و درواقع بازسازی آتش‌سوزی سینما رکس آبادان، در لایه‌های مختلف این فیلم قابل دریافت است. بخش عمده‌ای از روایت اول «جنایت



از «اویسی» ندیده بودیم. وقتی هم که «هامون» را با ظرف خون‌گیری و بیبهوش پیدا می‌کند، لحنش مجدداً جدی می‌شود اما در کل خبری از خونسخت در کلاش نیست.

امرا... صابری

نقش: تقوی

فوت: ۳۴ سال بعد از اکران

«امرا... صابری»، بازیگر نقش تقوی در «هامون» ۵ مهر امسال از دنیا رفت؛ ۳۴ سال بعد از بازی در این فیلم. یکی از سکانس‌های درخشان فیلم «هامون» با حضور او رقم می‌خورد. بعد از دیالوگ‌های متعدد او با «هامون» درباره این که اندونزی، فلپین و تایوان جایگاه خیلی بهتری دارند، در پی مخالفت‌های «هامون»، «تقوی» ناگهان در خیال آشفته «هامون» به هیبت یک سامورایی درمی‌آید و با همکار دیگرش «جعفری» که او هم در خیال «هامون» لباس عربی به تن دارد می‌جنگد و در نهایت سر از تنش جدا می‌شود! نکته جذاب ماجرا این جاست که سر جدا شده «تقوی» هم چنان به صحبت ادامه می‌دهد و به این ترتیب یکی از صحنه‌های سوزناک فیلم شکل می‌گیرد.

داریوش مهرجویی

کارگردان

فوت: ۳۴ سال بعد از اکران

«داریوش مهرجویی»، کارگردان فیلم «هامون» از جمله بازمانده‌های نهایی این فیلم بود که مهر امسال، ۳۴ سال پس از «هامون» فوت کرد. «هامون» یکی از تلخ‌ترین فیلم‌های «داریوش مهرجویی» است که در آن نشانه‌ای از شوخی های ذاتی این کارگردان دیده نمی‌شود. او به سبک اندیشه‌های فلسفی‌اش با شخصیت اصلی برخورد می‌کند و طبیعی است که خبری از سرخوشی آثار پیش در آن نباشد. شیوه کارگردانی «مهرجویی» در «هامون» بارها تحسین شده است؛ از میزانشن تا قاب‌بندی. «مهرجویی» در «هامون»، حدیث نفس افرادی را می‌سازد که بین آرمان‌خواهی و جهان‌خواهی گیر کرده‌اند. او در جامعه دهه ۶۰، محور این فیلم را انسانی سرگشته قرار می‌دهد که روحتش سرشار از تالم و تناقض است. این فیلم در هشتمین جشنواره فیلم فجر، پنج سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی، فیلمنامه، فیلمبرداری، نقش اول مرد و تدوین را گرفت.



بیتا فرهی

نقش: مهشید

فوت: ۳۴ سال بعد از اکران

سینمای ایران این روزها در سوگ آخرین مهره اصلی فیلم «هامون» است. «بیتا فرهی» در نقش «مهشید»، یکی از مهم‌ترین بازیگران فیلم بود که او هم ۳۴ سال پس از تولید این فیلم از دنیا رفت. «هامون» نخستین فیلم «بیتا فرهی» بود. او تازه از آمریکا به ایران بازگشته بود که «ناصر چشم‌آذر» او را برای بازی در «هامون» به «داریوش مهرجویی» معرفی کرد. «مهشید» زنی است که او هم مثل «هامون» معنای زندگی را گم کرده است و مدام از این شاخه به آن شاخه می‌پرد تا بلکه آرامش به دست بیاورد اما تلاش هایش بیشتر از این که به بهبود حالش کمک کنند، او را بدخلق‌تر می‌سازند.